

در پاسخ باید ها و نباید ها:
به پیشواز اول ماه مه سال ۸۹

کارگران ایرانیم؛ گرسنه ایم ، گرسنه!

امیرجوهری لنگرودی

mirjavaheri@yahoo.com

۲۳ فروردین ۸۹



در ایران فقر و گرسنگی بیداد می کند. سیاست های اعمال شده توسط حاکمیت سرمایه داری ایران به گونه ای است که فقر در زندگی شهروندان ایران از یکطرف و کارگران از طرف دیگر، انگار از جانب حاکمیت اسلامی، جزء ذاتی و طبیعی سیاست های شان شناخته شده و به نظرمی رسد؛ پذیرش آن تا حدی عادی و موهبت الهی می نماید. روند رو به افزایش فقر در ایران با شتاب غیر قابل کنترلی به مردم ایران تحمیل میشود و این مسئله با هدف مشخصی صورت می گیرد. پرسش مردم این است: وقتی فقرا اینقدر گسترش پیدا می کند، معلوم نیست که با ثروت و دارایی مملکت چه کار کرده و می کنند؟

"کارگر هفت تپه ایم ؛ گرسنه ایم ، گرسنه" شعار ویژه کارگران هفت تپه شوش بود که در اعتراضات خیابانی خود بر زبان آوردند . توگویی امروز در قبال نضج فقر و نداری کارگران باید آنرا در سطح سراسری گسترش داد و فریاد بر آورد : کارگران ایرانیم؛ گرسنه ایم ، گرسنه!
با یکی از کارگران ایران تلفنی، تبریک عید می گفتم و پرسش اینکه اوضاع چگونه است؟ گفت : " چه می پرسی امیر عزیز؟

زندگی ما با ۳۰۳ هزار تومان در برابر ۹۰۰ هزار تومان خط فقر و گذران سطح معیشت هر کارگر، که تازه اگر حقوق روزها و ماههای کارگری مان را هم به موقع بپردازند. در قبال این همه سختی معیشت، آیا غیر از گرسنگی، حرفی می توان زد؟ همه ما در حرف کارگریم ولی در عمل همان عمده ایم عمله و همیشه خدام گرسنه ایم و گرسنه. همین، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل" در مقابل این کلام عریان تلفنی دوست کارگرم، ز بانم بسته ماند و خجل از شنیده هایم . تو گویی ادای شادمانی نوبرانه عیدی به دوست کارگرم را در گلویم فروخفتم و عطای بر زبان آوردنش را به لقای اش بخشیدم و شرمنده پرسشم گشتم : که زندگی بر شما چگونه می گذرد؟!

خجالت آور و شرمگینانه است در سرزمینی که با چند ساعت فاصله ، گاز چاه های نفت اش می سوزد و به هوا می رود و دود می شود. نفت اش با عطش سیری ناپذیر غارتگران بین المللی به یغما می رود.

آنگاه که بدل به دلار شد در خزانه دولت دزد و چپاول اسلامی در جیب های گشاد دزدان سر گردنه اش کم می شود دولت دروغگوی اش که می خواست، نقدینگی فروش نفت را به درون خانه ها و بر سفره شهروندانش نهد. در حالی که زحمتکشان درگیر اولیه ترین حقوق انسانی خود هستند، هزینه های هنگفتی در عرصه سیاستهای خارجی برای حفظ قدرت و منافع ضد بشری نظام، از کیسه شهروندان همیشه از جانب دولت اسلامی پرداخته می شود.

تقلای شوق یک خیز بلند از یک سو، تیانی و سرکشی و سرکوب غیر قابل مهار رژیم از سوی دیگر، زمینه یک نبرد جان فرسایی را در برابر هم به صف آرای می کشد. کارگران جزء تشکیلات مستقل خویش و زدودن موانع سازمانیابی تجمع عظیم طبقاتی شان، در برابر سرمایه، راه دیگری در مقابل خود ندارند. کارفرمایان در برابر اینان، با همان اندیشه ی ماقبل سرمایه داری به جوانب کاری نگرند. کارفرمایانی که پیش تر ارباب (زمین دارانی) بودند که غیر خود را رعیت می دیدند، امروز نیز، کارگر زحمتکش و تولید گر را همان (عمله جات) می پندارند که گویی از حقوقی برخوردار نیستند. این درحالیست که کارگران ایران انقلابی را پشت سر گذاشته و تجربه دهها و صد ها اعتراض، اعتصاب و تجمعات گوناگون از تشکیل شوراها - سندیکاها - اتحادیه ها - کمیته های اقدام - اتحاد عمل های گوناگون - تشکیل صندوق های همیاری و تعاونیهای مسکن - مصرف و تولید را ایجاد کرده و تابه امروز هزینه های سختی را نیز پرداخته اند. زندان بودن منصور اسالو و ابراهیم مددی، علی نجاتی و محمد اشرفی، فرزاد کمانگر و مهدی فرهی شانندیز، محمد حیدری فرو دیگر زندانیان کارگر، محصول همین مدافعه از ضرورت داشتن و برپایی تشکیلات مستقل سندیکایی است و این از نظر سرمایه داری انگلی اسلامی ایران، جرم کمی نیست. جرمی که برای محو پاک کردنش، زبان می برند، بازداشت می کنند، به زندان می کشند و در بین زندانیان عادی و بیماران هیپاتیتی جای می دهند تا رو کم کنند. با ایجاد رعب و وحشت، صف کارگران را از هم بگسلند و آنانرا از پیشروی بازدارند.

در تاریخ هفته سوم اسفندماه سال ۸۸، شورای عالی کار بنا بر خصلت و ماهیت طبقاتی و سیاسی و عملکرد تا به امروزی اش در تعرض به سطح معیشت کارگران در سلسله نشست هایی که از آذرماه ۸۸ در کنار نماینده گان کارفرمایان - دولت و وزارت کار، جهت تعیین میزان دستمزد کارگران برای سال ۸۹، شروع شده بود با اعلام تعیین حداقل دستمزد کارگران، توسط سخنگویان شورای عالی کار، میزان رقم آنرا از ۲۶۳ هزار تومان سال ۸۸ به ۳۰۳ هزار تومان سال ۸۹ خبر دادند. تعیین این رقم و اعلان آن، ضد کارگری ترین هجوم به زندگی و سطح معیشت فلاکت بار تمامیت طبقه کارگر ایران بود. آنجا که موضوع عدم دریافت حقوق های معوقه یکی از پایه ای ترین خواست سال ۸۸ کارگران بود که به گسترده ترین شکل در روز شمار کارگری سال ۸۸ بازتاب یافته است. پس همین جابجایی ارقام ناچیز در برابر گرانی فزاینده و تورم و بی کار سازی ها، به جای کارثابت و استخدامی، مابا شلاق کار قراردادی موقت بر گرده کارگران روبرو هستیم. هر چند که ما امروز غیر از قرارداد موقت، قرارداد دیگری نداریم. آنجا که "بنگاه های پیمان کاری" حرفه ای برآمده از درون همین نظام کارچاق کن و خانمان برباد ده، عمل می کند. این حد جابجایی ارقام مالی نرخ تعیین دستمزدها نیز، حفظ و نگهداری چنین بنگاههایی را نهادینه می سازد. موجودیت همین بنگاه های قراردادی در سراسر کشور، بردگی و استثمار پوشیده و عریانی است که نظام سرمایه داری اسلامی ایران از چند سال پیش به اینسو، آنرا قانونی کرده است.

وقتی در مقابل بی سیاستی حکومت گران، قانون کار و وزارت کارش، طرح و نقشه و راهنمای عملی نداشته و ندارد، کارگر برای وصول نان به کار نیازمند است. او خودش داوطلبانه برای بدست آوردن آن به استنمارتن می دهد و به بنگاههای کاریابی مراجعه می کند. کارگر با دریافت ورقه سفید قرارداد، داوطلبانه می گوید: بیابید؛ استنمارم کنید تا لقمه نانی گیر آورم و با دست خالی بر سفره ام نروم. شکی نیست که حد استنمار را همیشه کارفرما و صاحب کار تعیین می کند. کارگر برای امرار معاش نیاز به کار دارد، حق زندگی، حق امنیت شغلی و آزادی بیان از الزامات حد اقل زندگی کارگران است. حقوقی که تابه امروز با سیاست ضد کارگری جمهوری اسلامی روبرو شده و سردمداران انحصار طلب - محافظه کار و مدعیان اصلاح طلبی اش نیز برای جاری نساختن آن به دستگیری، زندان، شکنجه کارگران به

هر طریق ممکن تشبث جسته و دست یازیدند. در برابر برای طبقه کارگر ایران، علیرغم دشواری های پیشروی آنان، تنها راه رودرویی با تورم و این سطح میزان دستمزد اعلام شده و مبارزه با آن، بیش از هر چیزی درگرومبارزه متشکل و مستقل و توده ای طبقه کارگردر تمامی عرصه های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی است. لازم می نماید با توجه به دشواری زندگی کارگران درسال پشت سرگذاشته شده برای وصول حقوق های معوقه کاری، امسال کارگران برسروصول به موقع همین سطح از دستمزدها، اضافه کاری ها و پاداش ها، بدون کمترین چانه زنی با کارفرما و آن دیگران، برسرهمین موضوع متشکل گردند و به شکل سراسری دست به اقدام زنند. و همچنین برسرا انجام آن بادیگرفعالان مزدو حقوق بگیر نظیر؛ معلمان و پرستاران و بازنشستگان مشاغل گوناگون به رایزنی پردازند و این مبارزه را به شکل همه جانبه و متشکلی به پیش برد. این پیشروی را نیز باید آزمود و با پرداخت کمترین هزینه برپای آن ایستاد.

در حوزه باید ها : کارگران ایران بیش از هر موقع نیاز به تشکیلات و با هم بودن و همپیوندی با دیگر جنبش های اجتماعی خاصه معلمان درآستانه اول ماه مه امسال را بر دوش خود دارند. ملازمه پیشروی این کار، فراخوان همراهی با جنبش عظیم ضد استبدادی در این روز، همآوایی با روز جهانی کارگر را در درون و بیرون از مرزها، در تقویت همبستگی و پیوستگی بین المللی می تواند با خود همراه گرداند. تجمع بلاواسطه کارگران سراسر ایران در روز اول ماه مه (شنبه ۱۱ اردیبهشت) با صف مستقل و تاکید بر استقلال طبقاتی خویش و پای کوبیدن بر همه خواسته های تا به امروز بر زبان رانده شده کارگران با سازمانیابی تجمعات توده ای عظیم در برابر مجلس، اجتماعات اعتراضی و مطالباتی در مقابل ساختمانهای تامین اجتماعی، در برابر دفاتر وزارت کار، در استان ها و شهرستان ها در مقابل فرمانداری ها و استانداری ها برای طرح مطالبات خویش، در پیوستگی با جنبش مستقل دانشجویی، توده زنان، مادران عزاء، مادران اعدامی و معلمان سراسر کشور با خود، در این روز، پایه ای ترین مضمون حرکت اعتراضی کارگران در سال ۸۹ تلقی می گردد. لازم می نماید یاد آور گردم: اعلان آدرس های فوق، تنها الزم شفافیت بخشیدن به صراحت بیان باید های مورد نظر است. چرا که کارگران یعنی اصلی ترین نیروی تولید کننده ثروت، تا به امروز طی سال های متوالی تجمعات اول ماه مه خود را در سالن های ورزشی ۱۲ هزار نفری ورزشگاه آزادی، زمین ورزشی شیروودی، و... به انجام رسانده اند. آنچه مد نظر است؛ ارائه راهکار قطعی برپای آدرس های ثابت نیست. - این خود کارگران هستند که محل تجمع خود را با توجه به ارزیابی از شرایط موجود و بازوی سرکوب رژیم برمی گزینند. تاکید بر وجه بکارگری تنوع تاکتیک ها و تلفیق دو سطح کارمخفی و علنی برای دوساختن فعالان کارگری از ضربه پذیری دشمن، خاصه در جنگ و گریزهای خیابانی و اجتماعات اعتراضی، از باید های الزامی این مرحله از مبارزات کارگران و فعالان جنبش ضد استبدادی است.

نباید از یاد ببریم؛ که آزادی سیاسی بدون آزادی اقتصادی، یک شعار تو خالی است. جنبش آزادی خواهی و جنبش نان در طلب وصول آن می تواند با هم گره خورند و اول ماه مه در ایران و سراسر جهان، می بایست مارش چنین خواستی را با خود حمل کند. آنچه که در بالا ذکر شد، همه کار نیست. فعالان کارگری طی سال های گذشته با تدارک نشست ها و برپایی سیمناها و تریبون های بحث آزاد و سازماندهی گلگشت های چند گانه، تجارب با ارزشی را از خود بجا گذاشته اند. بیشک آزادی همه آن دسته از چهره های شناخته شده فعالان کارگری که تا به امروز در زندان ها و رژیم اسلامی درغل و زنجیرو اسیرند، شعار آزادی یکایک آنان می تواند وجه همت بزرگترین و پُر مضمون ترین کارزار اول ماه مه امسال باشد که می بایست با همبستگی انترناسیونالیستی این روز در سطح جهان پُر آوازه گردد تا اسامی همچون: علی نجاتی - منصور اسالو - ابراهیم مددی - محمد اشرفی - مهدی فرهی شانندیز - محمد حیدری فر و وکیل مدافع جسور کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه شوش، آقای محمد اولیایی فر، معلمان دربند فرزاد کمانگر - رسول بدایق - محمد داوری - هاشم خواستار و همچنین اسامی دیگرانی که تا به امروز - عمدتاً به دلایل گوناگون - اعلام نشده، همه

همه می تواند، بسیج گسترده ترین تحرک عمومی جنبش آزادی خواهی مردمان ایران را در اول ماه مه امسال در درون ایران و خارج از کشور را با خود همراه گرداند.
شعار: **زندانی سیاسی و کارگرنندانی بی قید و شرط آزاد باید گردد** ، را می توان به مرکزی ترین شعار اول ماه مه امسال در درون و خارج از مرزها بدل ساخت.

در حوزه نبایدها : پرهیز از هرچه جداسری ها، جلوگیری از تشتت و پراکنده گی در برابر کل حاکمیت، دولت، کارفرما، نهاد های شبه کارگری نظیر (خانه کارگر- شوراهای اسلامی کار- حزب اسلامی کار و...)، فرقه ای نساختن تحرکات مربوط به روز اول ماه مه و پرهیز از انحصار طلبی ها ، عدم حذف گرایشات موجود کارگری در بین فعالان کارگری ، تا دشمن دون با همه عمله ننگین اش، نتواند از این روزنه راهی برای پیشروی خود در درون مبارزات مبارزان و خواسته های کارگران بیابد. جلوگیری از تفرقه و مستقل شمردن حرکات کارگران در این روز و رودررویی با مخالفین تشکلات مستقل کارگران از اهمیت شایان توجهی برخوردار است، عقب نشینی از مضمون تشکلات مستقل کارگری، جنبش کارگری را از مسیر اصلی خود جدا خواهد کرد .

از یاد نبریم که گفته اند : **کارگرم متحد همه چیز و کارگرم تفرق هیچ چیز!**
به نیروی کارگری خود باور داشته باشیم!